

یادداشت

ترامپ و سیاسی‌سازی سیا تهدیدی برای امنیت جهانی

ترجمه:علیرضااسدی

مقاله‌ای با عنوان «ترامپ در حال تخریب دستگاه اطلاعات آمریکا است: سیاسی‌سازی سیستم، احتمال شکست‌های خطرناک را افزایش می‌دهد» که از سوی دو نفر از تحلیلگران/مدیران سابق سازمان سیا تهیه و در مجله «امور خارجی» منتشر شده است. این مقاله به بررسی تحولات اخیر در سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا می‌پردازد. در این مقاله پیامدهای سیاسی‌سازی این نهادها بر امنیت ملی و جهانی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. به باور نویسندگان این مقاله، در ماه‌های اخیر، سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، که زمانی نماد دقت و بی‌طرفی بودند، زیر فشار سیاسی دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ دچار تحولات نگران‌کننده‌ای شده‌اند. انتصاب افراد غیرحرفه‌ای در مناصب حساس، اخراج تحلیلگران به دلیل گزارش‌های حقیقت‌محور و گرایش به همسویی با سیاست‌های دولت به‌جای واقعیت، زنگ خطر را برای امنیت ملی و جهانی به صدا درآورده است. این تغییرات نه‌تنها توانایی آمریکا در مقابله با تهدیداتی مانند تروریسم یا حملات سایبری را تضعیف می‌کند، بلکه می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای ثبات جهانی داشته باشد. متن زیر حاوی مروری کلی بر تحولات اخیر در نهادهای اطلاعاتی دولت آمریکا و تأثیرات آنهاست.

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح‌شده در مقاله، گرایش به سیاسی‌سازی سازمان‌های اطلاعاتی آمریکاست. به‌جای تکیه بر کارشناسان باتجربه و شایستگی حرفه‌ای، افرادی با وفاداری شخصی در مناصب کلیدی منصوب می‌شوند. برای مثال، در یکی از دفاتر مهم ضدتروریسم وزارت امنیت داخلی، فردی تازه از دانشگاه درآمده و بدون تجربه امنیت ملی، در یک سمت مدیریتی قرار گرفت. این روند می‌تواند توانایی سازمان‌ها را در شناسایی و مقابله با تهدیدات واقعی، مانند حملات سایبری یا فعالیت‌های گروه‌های مورد حمایت برخی کشورهای خارجی، تضعیف کند. سیاسی‌سازی اطلاعات همچنین به معنای فشار بر تحلیلگران برای ارائه گزارش‌هایی است که با سیاست‌های دولت هم‌جهت و همدل باشد، حتی اگر این گزارش‌ها با واقعیت مطابقت نداشته باشند. نمونه بارز این موضوع، اخراج مقامات ارشد شورای اطلاعات ملی به دلیل ارائه گزارش‌ی بود که ادعای دولت درباره ارتباط یک گروه جانی‌ت‌کار با دولت ونزوئلا را رد می‌کرد. این اقدام نه‌تنها تحلیلگران را به خودسانسوری سوق می‌دهد، بلکه خطر تصمیم‌گیری‌های نادرست براساس اطلاعات تحریف‌شده را افزایش می‌دهد. تاریخ نشان داده است که چنین رویکردی، مانند آنچه در جنگ ویتنام یا پیش از حمله به عراق رخ داد، به شکست‌های استراتژیک منجر خواهد شد.

یکی دیگر از نتایج این تحولات، کاهش اعتماد عمومی و متحدان بین‌المللی به سازمان‌های اطلاعاتی آمریکاست. در گذشته، جنجال‌های مربوط به جنگ عراق اعتبار این نهادها را خدشه‌دار کرد. امروز نیز خطر مشابهی وجود دارد. اگر متحدان آمریکا به دلیل نگرانی از سیاسی‌شدن اطلاعات، همکاری خود را کاهش دهند، توانایی واشنگتن برای جلوگیری از تهدیدات جهانی، مانند فعالیت‌های اطلاعاتی برخی قدرت‌های جهانی، به‌شدت کاهش خواهد یافت. این موضوع به‌ویژه در شرایطی که تهدیدات تروریستی، از جمله از سوی گروه‌های مورد حمایت برخی کشورها در حال افزایش است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

علاوه‌براین اخراج‌های گسترده و کاهش بودجه سازمان‌های اطلاعاتی، روحیه کارکنان را تضعیف و جذب استعداد‌های جدید را دشوار کرده است. در ماه مارس، پس از بازپدی مشاوران ارشد دولت از مقر سازمان سیا و آژانس امنیت ملی، هزاران فرصت شغلی حذف شد. این کاهش نیرو، همراه با اخراج کارکنانی که در برنامه‌های «تنوع و برابری فرصت‌ها» فعالیت داشتند، پیام روشنی را منتقل می‌کند: اولویت با همسویی ایدئولوژیک است، نه شایستگی. این رویکرد می‌تواند تنوع فکری و تحلیلی را که برای عملکرد موفق اطلاعاتی ضروری است، از بین ببرد. یکی از جنبه‌های نگران‌کننده دیگر، تخصیص نادرست منابع اطلاعاتی به اولویت‌های غیرضروری است. برای مثال، دستور جمع‌آوری اطلاعات درباره جنبش استقلال گرینلند، که تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا به شمار نمی‌رود، فقط به دلیل علاقه رئیس‌جمهور به الحاق این جزیره به ایالات متحده صادر شد. این در حالی است که تهدیدات جدی، مانند فعالیت‌های کشورهای مانند چین، روسیه و ایران، نیازمند توجه و منابع بیشتری هستند. چنین تصمیماتی نه‌تنها کارایی سازمان‌های اطلاعاتی را کاهش، بلکه خطر غافلگیری در برابر بحران‌های واقعی را نیز افزایش می‌دهد.

نزدیکی برخی مقامات به نظریه‌های توطئه نیز به پیچیدگی اوضاع افزوده است. افرادی در دولت کنونی از ادعاهای اثبات‌نشده، مانند دست‌داشتن نهادهای اطلاعاتی در رویدادهای ۱۱ سپتامبر حمایت کرده‌اند. این اظهارات نه‌تنها اعتبار سازمان‌های اطلاعاتی را تضعیف می‌کند، بلکه اعتماد عمومی را که برای همکاری شهروندان با نهادهایی مانند اف‌بی‌آی حیاتی است، از بین می‌برد. بدون این اعتماد، دریافت اطلاعات مردمی که برای پیشگیری از حملات تروریستی ضروری است، مختل خواهد شد.

در نهایت، این تحولات می‌تواند به شکست‌های اطلاعاتی منجر شود که نه‌تنها آمریکا، بلکه کل جهان را تحت تأثیر قرار دهد. اگر تحلیلگران به دلیل ترس از مجازات، هشدارهای لازم درباره تهدیداتی مانند افراط‌گرایی داخلی یا عملیات اطلاعاتی خارجی را ارائه نکنند، احتمال غافلگیری در برابر بحران‌ها افزایش می‌یابد. به گفته یکی از تحلیلگران سابق سیا: «شکست اطلاعاتی بعدی غافلگیرکننده نخواهد بود، بلکه نتیجه یک انتخاب است».

جمع‌بندی

بنا به باور نویسندگان مقاله، با وجود این چالش‌ها، سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا همچنان از حرفه‌ای‌گری و تعهد کارکنان خود بهره می‌برند. هشدار نویسندگان مقاله به دولت ایالات متحده این است که اگر این نهادها به عنوان ابزاری سیاسی استفاده شوند –آن‌چنان که درحال‌حاضر مشاهده می‌شود– توانایی آنها برای ارائه اطلاعات دقیق و بی‌طرفانه کاهش خواهد یافت. از نگاه نویسندگان مقاله که از منظری آمریکایی به جهان می‌نگرند، این موضوع نه‌تنها برای خود آمریکا، بلکه برای تمام کشورهاییکه به سیاست‌های آمریکا وابسته‌اند یا از آن تأثیر می‌پذیرند، نگران‌کننده است. به باور این نویسندگان –کارشناسان باتجربه در حوزه امنیت و اطلاعات در ایالات متحده– حفظ استقلال و اعتبار حرفه‌ای این نهادها برای تضمین امنیت آمریکا در جهانی مملو از تهدیدات پیچیده، بیش ازپیش ضروری به نظر می‌رسد.

منبع: مجله «امور خارجی»، ایالات متحده

رزمندگان خاموش

بازتعریف نقش داروساز نظامی در جنگ‌های آینده و آمادگی برای دفاع زیستی

جنگ‌های آینده، ماهیتی کاملاً متفاوت از منازعات دهه‌های گذشته خواهند داشت و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تهدیدات نوین از حملات هیبریدی و سایبری گرفته تا جنگ‌های زیستی و شیمیایی مهندسی‌شده، زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی را با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه خواهند کرد. در این میان، نقش داروسازان، به‌ویژه داروسازان بیمارستانی و نظامی، نیازمند بازتعریف اساسی است.

این مقاله به مرور تحولات مفهومی و راهبردی جنگ در پنج سال اخیر، به آینده‌پژوهی نیازهای سلامت در منازعات پیش‌رو پرداخته و ضرورت

جنگ‌ها در سده‌های گذشته همواره با تحول در تاکتیک‌ها، تکنولوژی و اهداف سیاسی همراه بوده‌اند، اما در دهه‌های اخیر، سرعت و عمق این تحولات به‌طرز چشمگیری افزایش یافته است. از جنگ‌های کلاسیک مبتنی بر صف‌آرایی ارتش‌ها و استفاده محدود از سلاح‌های متعارف، به جنگ‌های نامتقارن، هیبریدی و تمام‌عیار اطلاعاتی و سایبری رسیده‌ایم. پیش‌بینی‌ها و شواهد پنج سال اخیر، به‌ویژه در پرتو همه‌گیری COVID-19 و استفاده تاکتیکی از تهدیدات زیستی، نشان می‌دهد که آینده جنگ‌ها بیش از هر زمان دیگری با خطرات زیستی، شیمیایی، رادیولوژیک و هسته‌ای (CBRN) گره خورده است.

جنگ‌های آینده صرفاً در میدان نبرد فیزیکی رخ نخواهند داد. حملات سایبری به زیرساخت‌های سلامت، اختلال در زنجیره تأمین دارویی، استفاده از سلاح‌های بیولوژیک مهندسی‌شده با فناوری Synthetic Biology و تهدیدات شیمیایی پیشرفته، همه از ابعاد نوین منازعات آتی به شمار می‌آیند. در چنین سناریویی، سلامت نظامی و غیرنظامی به عنوان یکی از اهداف راهبردی دشمن، نیازمند توجه ویژه، برنامه‌ریزی دقیق و آمادگی انعطاف‌پذیر خواهد بود. داروسازان، به‌ویژه داروسازان شاغل در بیمارستان‌های نظامی، در خط مقدم این تحولات قرار دارند. نقش سنتی داروسازی که عمدتاً بر تهیه و توزیع دارو و نظارت بر درمان دارویی متمرکز بود، باید به نقشی پیشرو در طراحی لجستیک دارویی مقاوم، آموزش نیروها برای مقابله با حملات CBRN، مشارکت در مدیریت بحران و تضمین تداوم زنجیره تأمین حتی در شرایط جنگ سایبری ارتقا یابد. آینده‌پژوهی در حوزه سلامت نظامی، یک الزام راهبردی برای هر کشور است. انتظار می‌رود داروسازان نظامی به «رزمندگان خاموش» این جبهه تبدیل شوند؛ افرادی که با دانش تخصصی و آمادگی عملیاتی، بتوانند در برابر تهدیدات زیستی، شیمیایی و حملات سایبری به سیستم‌های درمانی ایستادگی کنند. بدون آموزش هدفمند، توسعه پروتکل‌های انعطاف‌پذیر و طراحی سناریوهای پاسخ‌گویی، ظرفیت پاسخ ما به بحران‌های آینده محدود و آسیب‌پذیر باقی خواهد ماند.

این مقاله تلاش دارد با مرور تازه‌ترین داده‌ها و مطالعات پنج سال اخیر، تصویری از ویژگی‌های جنگ‌های آینده ارائه دهد، تهدیدات نوظهور علیه سلامت و داروسازی نظامی را تحلیل کند و الزامات آمادگی داروسازان برای ایفای نقشی مؤثر در این میدان نبرد پیچیده و چندبعدی را تبیین کند.

تهدیدات نوین و ویژگی‌های جنگ‌های آینده

ماهیت جنگ در دهه‌های آینده دستخوش دگرگونی‌های عمیق خواهد شد. برخلاف منازعات متعارف گذشته که عمدتاً بر نبردهای کلاسیک و اشغال سرزمینی متمرکز بود، جنگ‌های آینده با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته و روش‌های هیبریدی، به نبردی چندپایه، نامتقارن و فراگیر تبدیل خواهد شد.

درک این تحولات برای حوزه سلامت نظامی و به‌ویژه داروسازان حیاتی است؛ چراکه بخش مهمی از اهداف راهبردی دشمن می‌تواند زیرساخت‌های درمانی و دارویی باشد.

۱. حملات هیبریدی و نامتقارن

جنگ‌های آینده با ترکیب روش‌های نظامی سنتی، عملیات اطلاعاتی، حملات سایبری و تحریر نارضاتی اجتماعی، ساختاری بسیار پیچیده خواهند داشت. حملات سایبری می‌توانند زنجیره تأمین دارویی، سامانه‌های اطلاعات بیمارستانی و زیرساخت‌های ارتباطی را مختل کنند. چنین سناریوهایی نیازمند طراحی زنجیره تأمین مقاوم و توان واکنش سریع در حوزه دارویی هستند.

۲. تهدیدات (CBRN) شیمیایی، زیستی، رادیولوژیک و هسته‌ای

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آینده، استفاده از عوامل شیمیایی و زیستی پیشرفته است. پیشرفت در زیست‌شناسی سنتزی (Synthetic Biology) و امکان تولید عوامل بیماری‌زا با ویژگی‌های مهندسی‌شده، تهدیدی جدی برای سلامت نظامی و غیرنظامی خواهد بود. به علاوه، حملات شیمیایی پیشرفته با استفاده از مواد رادیولوژیک برای ایجاد وحشت و تلفات گسترده، نیازمند آمادگی‌های دقیق داروسازان برای مدیریت ذخایر دارویی، ضدسم‌ها، آنتی‌بیوتیک‌ها و درمان‌های حمایتی است.

۳. جنگ‌های زیستی و پاندمی‌های هدفمند

همه‌گیری COVID-19 نشان داد که حتی بدون قصد نظامی آشکار، ویروس‌ها می‌توانند اثرات راهبردی عظیمی داشته باشند. در جنگ‌های آینده، امکان استفاده هدفمند از پاتوژن‌های طبیعی یا مهندسی‌شده برای تضعیف توان دفاعی و ایجاد بحران اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. این مسئله لزوم توسعه نظام‌های پایش بیماری، ذخیره‌سازی واکنش‌ها و آمادگی درمانی را دوچندان می‌کند.

۴. تهدیدات سایبری علیه سلامت و داروسازی

حملات سایبری نه‌تنها داده‌های سلامت را به خطر می‌اندازد، بلکه می‌تواند دسترسی به نسخه‌ها، سفارشات دارویی و سامانه‌های لجستیک را فلج کنند. افزایش اتصال دیجیتال در بیمارستان‌ها و زنجیره تأمین دارویی، آسیب‌پذیری این حوزه را در برابر خرابکاری سایبری بیشتر می‌کند. داروسازان باید به این تهدیدات آگاه باشند و در طراحی پروتکل‌های پاسخ و تاب‌آوری مشارکت کنند.

۵. آسیب‌پذیری زنجیره تأمین جهانی

در بحران‌های جهانی، رقابت برای منابع دارویی، ممنوعیت صادرات و تحریم‌ها می‌توانند دسترسی به داروهای حیاتی را محدود کنند. جنگ‌های آینده ممکن است با هدف قراردادن زیرساخت‌های تولید، حمل‌ونقل و انبارداری دارو، بحران‌های دارویی ایجاد کنند. آمادگی برای تولید داخلی، ذخیره‌سازی راهبردی و مدیریت موجودی‌های حساس از الزامات آینده خواهد بود. این چشمانداز نشان می‌دهد که جنگ‌های آینده صرفاً با سلاح‌های متعارف تعیین نمی‌شوند، بلکه میدان نبردی چندبعدی و پیچیده خواهند بود. آمادگی برای این تحولات نیازمند آینده‌پژوهی دقیق، سرمایه‌گذاری راهبردی و آموزش تخصصی نیروهای سلامت به‌ویژه داروسازان نظامی است تا بتوانند در این جبهه نامرئی، نقشی کلیدی در حفظ جان انسان‌ها و تداوم عملکرد نظام سلامت ایفا کنند.

نقش داروسازان در پاسخ به تهدیدات آینده

در مواجهه با تهدیدات نوین جنگ‌های آینده، داروسازان، به‌ویژه داروسازان شاغل در بیمارستان‌های نظامی، نقش حیاتی و چندوجهی ایفا خواهند کرد. برخلاف نگاه سنتی که وظیفه داروساز را به تهیه، توزیع و مشاوره دارویی محدود می‌کرد، مقتضیات جنگ‌های مدرن و حملات CBRN ایجاب می‌کند که داروسازان به اعضای کلیدی تیم‌های برنامه‌ریزی، مدیریت بحران و پاسخ اضطراری تبدیل شوند.

نخست، داروسازان نقش محوری در برنامه‌ریزی و آماده‌سازی لجستیک دارویی دارند. این شامل طراحی زنجیره تأمین مقاوم، پیش‌بینی نیازهای دارویی در سناریوهای بحران، مدیریت ذخایر استراتژیک و توسعه دستورالعمل‌های استفاده اضطراری از داروهاست.



کاوۀ کاظمیان

عضویت‌مدیره انجمن داروسازان تهران

اخلاقی، بلکه بخشی از امنیت ملی کشورها در عصر جنگ‌های آینده خواهد بود.

برای مثال، در حملات زیستی یا شیمیایی، نیاز به دسترسی فوری به آنتی‌بیوتیک‌ها، آنتی‌دوت‌ها و داروهای حمایتی وجود دارد که بدون برنامه‌ریزی دقیق، تحقق‌پذیر نخواهد بود. دوم، داروسازان در مدیریت درمان و مشاوره تخصصی در شرایط بحران ایفای نقش می‌کنند. شناسایی و مدیریت مسمومیت‌های شیمیایی، انتخاب آنتی‌بیوتیک مناسب در مواجهه با پاتوژن‌های مقاوم یا مهندسی‌شده و طراحی رژیم‌های درمانی در شرایط کمبود منابع، از وظایف حیاتی داروسازان خواهد بود.

سوم، در مقابله با تهدیدات سایبری و اخلال در زنجیره تأمین، داروسازان باید در طراحی پروتکل‌های تاب‌آور، امن‌سازی داده‌های نسخه‌نویسی و مدیریت سفارشات دارویی مشارکت کنند. حملات سایبری می‌توانند دسترسی به اطلاعات بیمار، برنامه‌های توزیع دارو و سامانه‌های لجستیکی را فلج کنند. داروسازان با دانش تخصصی خود، می‌توانند به توسعه سیستم‌های مقاوم کمک کنند. چهارم، داروسازان باید به عنوان آموزش‌دهنده و مربی بحران عمل کنند. این شامل آموزش پرسنل درمانی در استفاده از آنتی‌دوت‌ها، آماده‌سازی کیت‌های اضطراری و ارتقای سواد سلامت نیروهای نظامی در زمینه تهدیدات زیستی و شیمیایی است. چنین آموزشی می‌تواند به کاهش تلفات و افزایش سرعت پاسخ کمک کند. نهایتاً، داروسازان می‌توانند در تدوین سیاست‌های ملی سلامت و امنیت زیستی مشارکت داشته باشند. نقش آنها به عنوان کارشناسان دارویی در کارگروه‌های مدیریت بحران، ستادهای CBRN و کمیته‌های راهبردی سلامت، برای طراحی پاسخ یکپارچه ملی به تهدیدات آینده ضروری است. بدین ترتیب، داروسازان از یک «پشتیبان خاموش» به «رزمنده‌ای حیاتی در خط مقدم دفاع سلامت» تبدیل خواهند شد؛ نقشی که نیازمند بازنگری، سرمایه‌گذاری و تقویت توانمندنی‌ها از امروز است.

الزامات آمادگی و آموزش داروسازان

تحقق نقش‌های کلیدی مورد انتظار از داروسازان در پاسخ به تهدیدات آینده، مستلزم طراحی و اجرای یک برنامه جامع آموزش و آماده‌سازی است. تجربه همه‌گیری COVID-19 و بحران‌های منطقه‌ای اخیر نشان داد که فقدان آمادگی تخصصی می‌تواند به اختلال گسترده در ارائه خدمات سلامت منجر شود.

نخستین الزام، آموزش تخصصی در مدیریت بحران و مقابله با تهدیدات CBRN است. این آموزش‌ها باید فراتر از اصول کلی درمان باشد و شامل شناسایی و مدیریت مسمومیت‌های شیمیایی، درمان عفونت‌های ناشی از عوامل زیستی مهندسی‌شده، استفاده از داروهای ضدسم و پروتکل‌های واکنسیناسیون اضطراری باشد.

دوم، آموزش لجستیک و مدیریت زنجیره تأمین دارویی در بحران ضروری است. داروسازان باید بتوانند برای سناریوهای گوناگون، نیازسنجی دقیق، ذخیره‌سازی راهبردی، اولویت‌بندی تخصیص دارو و طراحی مسیرهای جایگزین تأمین را انجام دهند. آشنایی با سامانه‌های دیجیتال و روش‌های تاب‌آور در برابر حملات سایبری بخشی از این آموزش خواهد بود.

سوم، توسعه مهارت‌های ارتباطی بین‌رشته‌ای و کار تیمی اهمیت بالایی دارد. داروسازان باید توانایی مشارکت مؤثر در تیم‌های مدیریت بحران، کمیته‌های سلامت نظامی و کارگروه‌های سیاست‌گذاری ملی را داشته باشند. این همکاری‌ها مستلزم درک متقابل از نقش‌ها و زبان مشترک با سایر تخصص‌ها مانند پزشکی، پرستاری، اپیدمیولوژی و امنیت ملی است.

چهارم، شبیه‌سازی و تمرینات میدانی جزء ضروریات آماده‌سازی محسوب می‌شود. برگزاری مانورهای مشترک با نیروهای نظامی، اورژانس و سایر سازمان‌های ذی‌ربط می‌تواند به بهبود واکنش عملی، هماهنگی و کاهش زمان پاسخ کمک کند.

پنجم، نیاز به به‌روزرسانی مستمر دانش علمی وجود دارد. تهدیدات زیستی و شیمیایی در حال تحول دائمی هستند و داروسازان باید از آخرین پیشرفت‌ها در زیست‌شناسی سنتزی، داروهای جدید و روش‌های مدیریت بحران آگاه باشند.

در نهایت، تحقق این الزامات نیازمند حمایت سیاست‌گذاران، دانشگاه‌ها و نهادهای نظامی است. طراحی برنامه‌های آموزشی رسمی، ایجاد صرف‌صل‌های تخصصی در آموزش داروسازی نظامی و تأمین منابع مالی و زیرساختی، لازمه پرورش نسلی از داروسازان آماده و توانمند برای مواجهه با تهدیدات نوین جنگی خواهد بود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جنگ‌های آینده، دیگر صرفاً صحنه تقابل نظامی کلاسیک نخواهند بود، بلکه میدان نبردی چندبعدی، نامتقارن و پیشرفته خواهند بود که زیرساخت‌های سلامت و زنجیره تأمین دارویی را به عنوان اهداف راهبردی خود انتخاب می‌کنند. تهدیدات زیستی و شیمیایی، حملات سایبری و اخلال در زنجیره تأمین دارو، بخشی از سناریوهای محتمل در منازعات آتی هستند که می‌توانند آثار مخرب، طولانی‌مدت و گسترده‌ای بر سلامت نظامی و غیرنظامی داشته باشند.

در چنین چشماندازی، داروسازان، به‌ویژه داروسازان شاغل در بیمارستان‌های نظامی باید از «تأمین‌کنندگان سنتی دارو» به «رزمندگان خاموش و متخصصان مدیریت بحران» تبدیل شوند. ایفای این نقش مستلزم توانمندسازی آنان در زمینه‌های تخصصی مانند مدیریت تهدیدات CBRN، طراحی لجستیک مقاوم دارویی، مقابله با حملات سایبری به زنجیره تأمین و مشاوره درمانی تخصصی در شرایط بحران است.

بر این اساس، پیشنهادهای زیر برای سیاست‌گذاران، دانشگاه‌ها و سازمان‌های نظامی ارائه می‌شود:

- تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی تخصصی در حوزه مدیریت بحران دارویی، شامل شناسایی و درمان مسمومیت‌های شیمیایی، پاسخ به حملات زیستی و مدیریت درمان در شرایط پاندمی‌های هدفمند.
- ایجاد دوره‌های عملی و مانورهای مشترک با نیروهای نظامی، اورژانس و سایر نهادهای مرتبط برای تقویت هماهنگی، تجربه میدانی و واکنش سریع.
- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های لجستیک دارویی مقاوم، از جمله ذخایر راهبردی، سیستم‌های توزیع انعطاف‌پذیر و پروتکل‌های تداوم عملکرد در شرایط حمله سایبری یا بحران‌های دیگر.
- تقویت همکاری بین‌رشته‌ای میان داروسازان، پزشکان، پرستاران، اپیدمیولوژیست‌ها، متخصصان امنیت ملی و سیاست‌گذاران برای طراحی پاسخ‌های یکپارچه به تهدیدات آینده.
- ایجاد نظام به‌روزرسانی مستمر دانش در حوزه تهدیدات نوین، زیست‌شناسی سنتزی، پیشرفت‌های دارویی و پروتکل‌های بین‌المللی مدیریت بحران.

تحقق این اقدامات، داروسازان نظامی را به نیرویی آماده، توانمند و راهبردی در حفظ سلامت نیروها و پشتیبانی از امنیت ملی تبدیل و کشور را در برابر تهدیدات نوین جنگی مقاوم‌تر خواهد کرد.

دیدگاه

رباط بخیل درباره اخراج شتاب‌زده پناهجویان افغان



صادق زنگنه

پهنه‌ای بی‌حاصل را که جز باد به کف نداشت، «روداری» و «مدارا»، خوشامد کرد. کاروان‌سرایی شد بر سر راهی که مسافران و بی‌جاشدگان در آن سر آسایش بر بالین می‌گذاشتند و می‌ماندند تا نفسی تازه کنند و راه را باز یابند. این استقبال مشفقانه، دشت باد را، رباط‌کریم کرد، در سال ۱۳۰۰ شمسی. نه یک رباط چون هزاران رباط دیگر؛ رباطی که به کرامت و سخاوت شهره بود و تا دیربوز که پناهجویان افغان در آن ساکن بودند، همچنان رسالت خود را بر دوش داشت. اما امروز چرخش ناگهانی، شور و شری در این روداری به پا کرده است.

این چرخش ناگهانی از «میهمان‌نوازی» به «اخراج»، نه حاصل تغییر یک دولت، که محصول یک «خلأ استراتژیک» مزمن در مدیریت پدیده مهاجرت و پناه‌جویی در ایران است. دولت‌ها تغییر می‌کنند، اما نهادهای متولی و مسئول قاعدهٔ براساس اصول و ارزیابی‌های بلندمدت عمل می‌کنند. پرسش اصلی اینجاست: آن زمان که مرزهای شرقی به روی امواج انسانی گشوده شد و سیاست «درهای باز» بدون سازوکار کنترلی اجرا می‌شد، تحلیل‌های مرتبط کجا پایبانی شده بود؟ این‌یک اهمال ساده نیست؛ شکست در «حکمرانی مهاجرت» است.

ایران، هرچند به کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو پیوسته، اما با عدم الحاق به پروتکل ۱۹۶۷ و ثبت «حق شرط» بر مواد کلیدی مانند حق اشتغال، آموزش و آزادی رفت‌وآمد، همواره راه را برای سیاست‌های قابل تغییر باز گذاشته است. با این حال، مهم‌ترین اصل حقوق بین‌الملل، یعنی اصل عدم بازگرداندن اجباری (Non-refoulement)، که اخراج پناه‌جو به سرزمینی را که در آن با خطر جانی مواجه است منع می‌کند، امروزه به عنوان یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی شناخته می‌شود و حتی برای کشورهای غیرعضو نیز لازم‌الاجراست. آتیا در این اخراج‌های شتاب‌زده، فرایند قانونی برای تفکیک «پناه‌جو» از غیرپناه‌جو و بررسی فردی پرونده‌ها، طبق «این‌نامه پناهندگان مصوب ۱۴۴۲» خود ایران طی شده است؟ آیا افغانستانی‌هایی که بیش از ۲۰ سال است در ایران زندگی می‌کنند و هر یک به نوعی گوشه‌ای از کار این مملکت را گرفته‌اند، با کسانی که مطابق با رویکرد دولت قبل وارد ایران شده‌اند، باید در یک ترازو گذاشت؟ شواهد نشان‌دهنده یک واکنش هیجانی و مبتنی بر «مجازات سته‌جمعی» است که نه‌تنها با روح تعهدات بشردوستانه در تضاد است، بلکه چهره ایران را در عرصه جهانی مخدوش می‌کند.

نیروهای تصمیم‌سازی که دیروز با نگاهی فرصت‌محور، ورود بی‌ضابطه را تئوریزه می‌کردند و امروز با نگاهی تهدیدمحور، به پاک‌سازی شتاب‌زده دامن می‌زنند، باید پاسخ‌گوی این سیاست‌گذاری سیونوسی و پرهزینه باشند. این رویکرد، دولت را در برابر افکار عمومی نیز آسیب‌پذیر کرده است؛ به گونه‌ای که منتقدان دیروز ورود بی‌رویه افغان‌ها، امروز به مدافعان حقوق انسانی آنان در برابر عملکرد دولتی بدل شده‌اند و این‌خود گویای عمق بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری‌ها است.

اسرائیل که به ایران حمله کرد، پناهجوی افغانستانی که پیش‌تر ایران را ترک کرده بود، به اهالی خانه‌ای که در آن سرایدار بود، پیام داد که اگر تهران امن نیست، می‌توانید به منزل من در افغانستان تشریف بیاورید و تا هر وقت که آنجا امن شد، بمانید. بله، چرخ دوران چنین سریع می‌چرخد. با همریشه‌های تاریخی‌مان مهربان باشیم. تاریخ این مهربانی‌ها و این بی‌مهری‌ها را فراموش نخواهد کرد.